

نگاه اجمالی به سیمای زن در اساطیر ایرانی

دکتر فاطمه سعدی حسین^۱، دکتر رنا علی مجید صالح الزریجاوی^۲

^۱ دانشگاه بغداد، دانشکده زبان، گروه زبان فارسی

^۲ دانشگاه بغداد، دانشکده زبان، گروه زبان فارسی

چکیده

به روانی آب، به گرمی آتش و به ارزشمندی خاک ایران، فردوسی شاهنامه می سراید. افسانه ها و حماسه ها و تاریخ رفته از یاد را دو باره زنده می کند و در آینه ای به گستردگی ایران نمایان می سازد. فردوسی چشم ژرفانگر خویش را در ((توس)) خراسان به جهان گشود و با سرودن شاهنامه نور دیده ملت ایران شد و نامی ماندگار در ادبیات حماسی ملل. بیشتر زندگی پر ثمر او در زمان سامانیان و شکوفایی ادبیات پارسی گذشت و دوره شکوه پسیری را با غم از دست دادن فرزند برومند خود، در زمان سلطان غزنوی، محمود، در سخنی و تنگدستی به سرد برد و سر انجام پس از سال رنجی پر شور، شاهنامه را به پایان رسانید و شاهکارهای به یادگار نهاد و رفت. رفت، اما نمرد که (تخم سخن) را پراکنده بود و (سرو سایه فکنی) بر افراشته بود. شاهنامه، باز آفرینی نگاشته و برگزیده است از (حماسه) های باستانی و مدارکی تاریخی که با آگاهی های فردوسی از فرهنگ و ادب پارسی و نبوغ و هنر ویژه وی آمیخته گشته است و نه تنها یک منظومه بزرگ حماسی، بلکه سند و کارنامه فرهنگ و تاریخی ملت ایران نیز می باشد. در شاهنامه قهرمانها و شخصیتها نقشهایی گوناگون دارند، گاه جنبه ای (اسطوره ای) و نمادین و گاه واقعیت تاریخی می یابند. شاهنامه دارای داستانهایی است از قهرمان و پهلوانان، زنان و مردانی که گاه جنبه نمادین و آرمانی دارند و متعلق به دوران اساطیری و پهلوانی می باشند و گاه از واقعیتهای تاریخی، و در همه گونه خود بیانگر دیدگاه (خرد گرایی) و یاورهای (بنیادین دینی) فردوسی، که موجب محبوبیت او در میان (شعوبیه) گردید.

واژه‌های کلیدی: زن، اساطیر، ایران، شاهنامه، فردوسی، ادبیات